

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

جواد مرادی خبرنگار آزاد از افغانستان  
۰۹ فبروری ۲۰۲۲



## سیاست های پنهانی و خصمانه امریکا در افغانستان دیگر قابل تحمل روسیه نیست



امریکا و اروپا دیگر تنها بازیگران عرصه سیاست افغانستان نیستند و نمی‌توانند بدون اعتناء به منافع و مطالبات قدرت های بزرگ دیگر مانند روسیه، چین و... خواسته های یکجانبه و سلطه جویانه خود را بر طالبان تحمیل کنند، جریان‌های مخالف طالبان را نادیده بگیرند و انتظار داشته باشند که سایر قدرت های جهانی نیز از تصمیمات و تعاملات پنهانی و پشت پرده امریکا و غرب با طالبان تاسی و تبعیت کنند.

همزمان با مذاکرات اسلو میان نمایندگان طالبان و فرستادگان جامعه جهانی به رهبری امریکا در ناروی خبرهایی نیز درباره سفر پنهانی ملا عبدالغنی برادر؛ معاون رئیس الوزراء و ملا یعقوب؛ فرزند ملا عمر و سرپرست وزارت دفاع حکومت طالبان به مسکو منتشر شد.

از سوی دیگر، شایعاتی نیز درباره حضور شماری از رهبران "جبهه مقاومت ملی" در روسیه به نشر رسید و هدف از آن مذاکره مستقیم با میانجیگری مسکو میان طالبان و مخالفان آن اعلام شد.

اگرچه هیچ یک از طرف ها ادعاهای مطرح شده در این زمینه را رد یا تأیید نکردند؛ اما صرف نظر از صحت و سقم این گزارش ها و شایعات، به نظر نمی رسد که روسیه در قبال ابتکارات تازه امریکا برای تعامل با طالبان منفعلانه عمل کند و همانند ۲۰ سال گذشته تنها ناظر بی طرف رویدادهای افغانستان باشد.

پس از شکست امریکا و خروج مفتضحانه نیروهای غربی از افغانستان، روسیه به یکی از بازیگران بزرگ در معادلات کشور تبدیل شده است. برگزاری جلسه های مسکو و ایجاد بلوکی غیررسمی از کشورهای هم پیمان روسیه برای نقش آفرینی در افغانستان از عمده ترین تحرکاتی بوده که به رهبری کرملین انجام شده است.

چندی پیش نیز تهران میزبان امیرخان متقی؛ سرپرست وزارت امور خارجه طالبان و رهبران "جبهه مقاومت ملی" بود؛ رویدادی که در آن برای نخستین بار طالبان با دشمنان شان در چارچوب چندین جلسه با هم مذاکره کردند. بر بنیاد گزارش های غیررسمی منتشر شده به نظر می رسد که روند تهران این بار از سوی مسکو پی گیری می شود.

نکته قابل تأمل این است که روسیه و ایران از کشورهای هم پیمان در منطقه و جهان به حساب می آیند و تعاطی و تعامل آنها درباره تحولات تازه افغانستان می تواند به تولد یک بلوک سیاسی تازه در برابر اروپا و امریکا منجر شود.

خبرها در زمینه سفر پنهانی مقامات ارشد سیاسی و نظامی طالبان و رهبران "جبهه مقاومت ملی" به روسیه در حالی انتشار یافت که چهره های ضد طالبان، غایبان بزرگ مذاکرات اسلو بودند. این در شرایطی بود که نمایندگان زنان معترض به ناروی دعوت شده و سخنرانی کردند و در کنار آنها فرستادگانی از چندین نهاد اعتراضی دیگر نیز حضور داشتند.

به این ترتیب، غیبت پرسش برانگیز و معنی دار رهبران مخالف طالبان در مذاکرات اسلو گمانه زنی ها درباره تلاش غرب برای مشروعیت بخشیدن به طالبان بدون اعتناء به جریان های سیاسی و قومی دیگر از جمله مجاهدین پیشین را تقویت کرده و به این برداشت دامن زده است که سیاست غرب برای حذف کامل مجاهدین و رهبران قومی از معادلات سیاسی افغانستان که در طول ۲۰ سال گذشته از سوی دولت های دست نشانده امریکا در کابل دنبال می شد در افغانستان پسا طالبان نیز ادامه دارد.

با این حال، هنوز قدرت هائی هستند که منافع خود را در حضور مؤثر و سازنده رهبران مخالف طالبان در چارچوب یک دولت ملی و با پایه های وسیع می بینند. آنها از رهبران جبهه مقاومت به عنوان نقش آفرینان اصلی در معادلات سیاسی و امنیتی افغانستان امروز، استقبال می کنند و هرگونه تعامل با طالبان درباره سرنوشت سیاسی آینده افغانستان را مشروط و منوط به حضور و نقش آفرینی سازنده این چهره ها و جریان ها می دانند.

پیام دیگر خبرهای مربوط به سفر پنهانی مقامات طالبان و حضور سران "جبهه مقاومت ملی" به مسکو این است که امریکا و اروپا دیگر تنها بازیگران عرصه سیاست افغانستان نیستند و نمی توانند بدون اعتناء به منافع و مطالبات قدرت های بزرگ دیگر مانند روسیه، چین و... خواسته های یکجانبه و سلطه جویانه خود را بر طالبان تحمیل کنند، جریان های مخالف طالبان را نادیده بگیرند و انتظار داشته باشند که سایر قدرت های جهانی نیز از تصمیمات و تعاملات پنهانی و پشت پرده امریکا و غرب با طالبان تأسی و تبعیت کنند.

افغانستان پس از شکست امریکا و فرار بزدلانه نظامیان امریکائی و خارجی، شرایط متفاوتی پیدا کرده و اکنون همه قدرت های بزرگ و کوچک خارجی برای نقش آفرینی در معادلات سیاسی و امنیتی کشور از سهم و جایگاه و فرصت و موقعیتی برابر برخوردار هستند. بنابراین جلسه های تهران و مسکو حامل این پیام صریح به اروپا و امریکا است که

هرگونه تصمیم‌گیری دربارهٔ سرنوشت افغانستان نیازمند اجماع منطقه‌ای و جهانی است؛ زیرا توهم جهان تک قطبی در هم شکسته و امریکا اکنون قدرتی در عرض قدرت‌های دیگر محسوب می‌شود نه در رأس همهٔ آنها. با توجه به این ارزیابی در صورتی که بازیگران بزرگ مانند روسیه، امریکا و چین راهی برای تعامل مشترک و سازنده در افغانستان پیدا نکنند یکجانبه‌گرایی و تلاش برای تحمیل اهداف هژمونیک و دستورالعمل‌های استراتژیک خود بر شرایط جدید کشور، خطر بروز جنگ نیابتی تازه و ادامهٔ بحران‌های چند ده ساله را در پی دارد.